

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در ایجاد وحدت و انسجام مسلمانان

هادی صادق زاده*

چکیده

وحدت از مهم‌ترین نیازهای امروز بشر و از جمله سفارش‌های مؤکد قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. اسلام هرگونه مرزبندی فکری، سیاسی، اعتقادی، طبقاتی و نژادی را نفی می‌کند و بر همین اساس، علمای اسلام همواره در راستای وحدت امت اسلامی حرکت و تلاش کرده و منادی وحدت بوده‌اند و در سیره عملی خود، با محور قرار دادن قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام، در جهت تعلیم معارف دین و حفظ آن و مبارزه با تحریف و بدعت و انحرافات فکری و عملی در میان امت اسلامی حرکت کرده‌اند. حج، از عبادات سیاسی اسلام است که همه ساله از سوی میلیون‌ها مسلمان در زمان و مکانی واحد انجام می‌گیرد و خیل عظیم جمعیت که از سرتاسر جهان به سرزمین وحی می‌آیند، آداب و رسوم، ملیت، نژاد و رنگ‌های مختلف دارند. اما با همه این اختلافات ظاهری، اشتراکات فراوانی در آنان مشاهده می‌شود؛ از جمله اینکه همه آنها با هدف واحد و اعمال و آداب و اذکار و حتی رنگ لباس واحد،

*. کارشناس ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت، دانشگاه قرآن و حدیث 5576hadi@gmail.com

پیرامون خانه واحد (کعبه)، می‌گردند که همه این اعمال، نماد وحدت و یکرنگی و همدلی است و «تعامل افکار و رسیدن به تفاهم متقابل»، «نزدیک ساختن فرهنگ‌های متفاوت به همدیگر»، «اهتمام به پدیده‌هایی چون مشارکت، اخلاق محوری، صلح و امنیت»، «چگونگی سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن» و بالاخره «برطرف کردن سوء تفاهم‌ها و نزدیکی قلوب به همدیگر» از کارکردهای حج است.

کلیدواژه‌ها: حج، دیپلماسی، فرهنگ، اتحاد.

همه تلاش انبیا و اولیای الهی در طول تاریخ، اصلاح بین انسان‌ها و دور کردن بشر از نزاع و تفرقه بوده است. از سوی دیگر، شیطان و ایادی‌اش همواره سعی در ایجاد تفرقه بین طرفداران حق داشته و دارند. هر چند باطل نمی‌تواند به صورت حقیقی بین نیروهای خود وحدت و اتحاد ایجاد کند، ولی برای مقابله با حق، آن هم به صورت مقطعی، بین نیروهای خود هماهنگی ایجاد می‌کند؛ همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾ (حشر: ۱۴)؛ «آنان را متحد می‌پنداری؛ ولی دل‌هایشان پراکنده است». از این رو باطل حقیقتاً وحدت‌آفرین نیست. در نقطه مقابل، قرآن کریم به پیروان حق وحدت و همدلی را توصیه می‌کند و از اختلاف و تشتت بر حذر داشته، می‌فرماید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶).

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

امثال این آیه و همچنین روایات فراوانی که در باب وحدت و اتحاد وارد شده است، گویای این امر مهم است که عامل اصلی پیروزی هر ملت و جامعه‌ای، وحدت و یکدلی است و اختلاف و تفرقه باعث شکست و سستی در مقابل دشمنان می‌شود.

هدف اصلی مقاله پیش‌رو این است که کارکردهای دیپلماسی - فرهنگی حج در ایجاد وحدت و انسجام مسلمانان را بازگو کند و به عبارتی، در پی اثبات این فرضیه است: دیپلماسی فرهنگی حج می‌تواند باعث ایجاد وحدت و انسجام میان مسلمانان شود.

دیپلماسی فرهنگی (Cultural diplomacy)

بنابر تعریفی، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سبک زندگی، ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (ژان میلسن، ۱۳۸۹ش، ص ۲۶۷).

فرانکو نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان معرفی می‌کند که بر اساس ارزش‌های مشترک صورت می‌پذیرد (صالحی امیری، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۹). از این تعریف می‌توان فهمید که دیپلماسی فرهنگی در گام نخست یک فن در سیاست خارجی است؛ بدین معنا که سیاستمداران تلاش می‌کنند از طریق آن، تعاملات خود را با جهان پیرامونی گسترش دهند و از طریق ارزش‌های جهان‌شمول، این پروژه را پیش ببرند.

در تعریفی دیگر، دیپلماسی فرهنگی به معماری یک بزرگراه دو طرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آنها تعبیر گردیده است (همان، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۰). از این تعریف نیز می‌توان دریافت که دیپلماسی فرهنگی یک فرایند دوطرفه است و بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ملت‌های درگیر، استوار است.

بر این اساس، دیپلماسی فرهنگی - «تبادل نظرها، اطلاعات، هنر و دیگر ابعاد فرهنگی میان کشورها و مردمشان به منظور ایجاد درک و فهم متقابل» - عنصر مهمی از کوشش‌های فرامرزی دیپلماسی عمومی را شکل می‌دهد که به طور اساسی در بر دارنده همه آن چیزی است که یک کشور مایل است به واسطه آنها خودش را به جهان معرفی کند؛ به عبارتی؛ دیپلماسی فرهنگی حوزه‌ای از دیپلماسی است که به برقراری توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مربوط است. دیپلماسی فرهنگی فرایند مؤثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها در سطوح دو جانبه و چند جانبه ترویج می‌یابند.

دیپلماسی فرهنگی، یکی از مثال‌های اولیه قدرت نرم (Soft power) یا قابلیت ترغیب دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌هاست که در مقابل قدرت سخت (Hard power) قرار دارد.

در هر صورت، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مبنا و زمینه‌ساز همکاری و تعامل جهانی و منطقه‌ای باشد تا شبکه‌های ارتباطی جدیدی بین ملت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی به وجود آورد.

برای حل معضلات جدید جهانی، بقای همه فرهنگ‌ها و ارتباط میان آنها از طریق دیپلماسی فرهنگی ضروری است. این امر نه تنها امکان مفاهمه و حل مشکلات را فراهم می‌آورد، بلکه شرایط لازم برای عقلایی شدن و همگرایی بیشتر را نیز فراهم می‌کند. بنابراین منظور از دیپلماسی فرهنگی در این بحث، سطح اشتراکات دینی - مذهبی و پایین آوردن اختلافات قومی - مذهبی است که حج می‌تواند در این زمینه‌ها کارگشا باشد.

امروزه به علت ظهور مباحثی نظیر جهانی شدن و فرهنگ واحد جهانی، فرهنگ از حاشیه مباحث اجتماعی به متن کشانده شده و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بیش از پیش مطرح شده است. لذا در مقابل نظریه فرهنگ جهانی، بحث تنوع فرهنگی مطرح، و ضرورت دیپلماسی فرهنگی به روشنی نمایان شده است.

ریچارد ارمیتاژ، معاون اسبق وزارت امور خارجه امریکا معتقد است: دیپلماسی منحصر به گفت و گو با دوستان نیست. اگر توانستید با مردمی صحبت کنید که دوست نیستند، آن نشانگر قدرت دیپلماسی شماست (صالحی امیری، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۱).

اهمیت وحدت از منظر قرآن کریم

از ویژگی‌ها و امتیازات قرآن که از جمله اهداف حج نیز به شمار می‌رود، مبارزه با تفرقه، تشتت و اختلاف، و سیر دادن انسان‌ها به سوی امت واحد انسانی و اسلامی است. وحدت و اتحاد، یکی از مهم‌ترین عناصر اجتماعی و سیاسی مسلمانان برای تقویت هویت امت اسلامی است که از جمله مهم‌ترین عوامل اقتدار مسلمانان به شمار می‌آید

و در مقابل، تفرقه و اختلاف جز ذلت و سستی نتیجه‌ای نخواهد داشت. بنابراین دعوت به وحدت و اتحاد درونی مسلمانان و پرهیز از تفرقه، از دستورهای قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام است و تلاش برای ایجاد وحدت و برادری میان مسلمین، حرکت در جهت تحقق اوامر الهی و اقتدا به سنت پیامبر و معصومین علیهم‌السلام است.

بنابراین، وحدت و اتحاد، برای هر اجتماعی ضرورت دارد و ایجاد اختلاف یا دامن زدن به مسائل اعتقادی و مذهبی فرعی که در مرتبه بعد از اصول دین قرار دارد، نباید باعث اختلاف بین افراد جامعه شود. مسلمانان باید همواره به این نکته توجه داشته باشند که یکی از اقدامات اساسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایجاد وحدت و اخوت بین مسلمانان بوده است؛ چنان که قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

«همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر خودتان را به یاد آورید، زمانی که با یکدیگر دشمن بودید و بین شما الفت و مهربانی ایجاد کرد و با هم برادر شدید.»

این عبارات فرازهای نورانی صراحتاً ضرورت وحدت و همدلی را در جامعه بیان کرده و بعد از امر به اتحاد و یکدلی از تفرقه و پراکندگی نهی فرموده و همگرایی و اتحاد را نعمت الهی معرفی کرده است. همچنین این آیه شریفه یکی از ثمرات اعتصام به ریسمان الهی و عدم تفرق را الفت بین دل‌ها و احساس برادری در طریق امحای دشمنی بیان فرموده است.

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، از اهل کتاب که دارای پیغمبران و شریعت‌ها و طریقت‌های مختلف‌اند و حاضر نیستند زیر پرچم اسلام قرار گیرند، دعوت می‌کند که بیایید با هم بر سر کلمه مشترکی که مورد قبول همه ماست، جمع شویم و آن اینکه جز خدا کسی را نپرستیم، چیزی را با او در اطاعت و پرستش شریک نسازیم و غیر از خدا کسی را ارباب خود نگیریم. اسلام به این حداقل ساده مشترک راضی است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (آل عمران: ۶۴)

«بگو: ای اهل کتاب، به سوی کلمه‌ای که بین ما و شما یکسان است بیایید: اینکه جز خدا کسی را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را ارباب خود سوی خدا نگیرد.»

حاصل آنکه طبق آیات فراوانی که در قرآن کریم آمده، ایجاد و حفظ وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت ایستادگی و تقویت هویت امت اسلامی، و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در همهٔ صحنه‌هاست و در مقابل، تفرقه و تشتت جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه‌های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت.

وحدت در سیرهٔ اهل بیت علیهم‌السلام

سیرهٔ اهل بیت علیهم‌السلام یکی از عوامل وحدت‌بخش در دیپلماسی فرهنگی شناخته می‌شود که در مباحث فقهی و از جمله فقه سیاسی نمود قابل ملاحظه‌ای داشته است. اهل بیت علیهم‌السلام همواره درباره عواقب تفرقه و تشتت هشدار می‌داده و با محور قرار دادن قرآن و سیرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مانع بروز اختلاف در میان جامعه می‌شده‌اند. علمای شیعه نیز در طول تاریخ، در تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام همواره کوشیده‌اند در ذیل مباحث فقهی، وحدت امت اسلامی را حفظ کنند؛ برای مثال، شهید مطهری به سیرهٔ امام علی علیه‌السلام در ایجاد وحدت بین مسلمین اشاره کرده، می‌نویسد:

سیرهٔ متروک و فراموش شدهٔ شخص مولای متقیان علی علیه‌السلام، قولاً و عملاً، که از تاریخ زندگی آن حضرت پیداست، بهترین درس آموزنده در این زمینه است. علی علیه‌السلام در برابر ربایندگان حقش قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب‌شده و انتخاب‌شده بود. او از مرگ بیم نداشت. چرا قیام نکرد؟ حداکثر این بود که کشته شود؛ کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود. او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن از کودک به پستان مادر مأنوس‌تر بود. علی علیه‌السلام

در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرایط، ترک قیام و بلکه همگامی و همکاری است. خود کراراً به این مطلب تصریح می‌کند. در یکی از نامه‌های خود به مالک اشتر (نامه ۶۲ نهج البلاغه) می‌نویسد: «من اول دست خود را پس کشیدم، تا دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد ﷺ دعوت می‌کنند. پس ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمین برنخیزم، شکاف یا انهدامی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن از فوت خلافت چند روزه بسی بیشتر است».

در شورای شش نفری، پس از تعیین و انتخاب عثمان به وسیله عبدالرحمان بن عوف، علی رضی الله عنه شکایت و هم‌آمادگی خود را برای همکاری این‌چنین بیان کرد: «شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم، و حال به خدا قسم مادام که کار مسلمین رو به راه باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشم، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود» (مطهری، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۷).

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در ایجاد وحدت اسلامی

خانه خدا نخستین خانه‌ای است که برای مردم وضع شده است. تمام قصرها و کاخ‌ها و بناهایی که به دست بشر ساخته شده و می‌شود، در راستای منفعت فرد یا گروهی اندک است و حتی شاید به زیان عده‌ای دیگر باشد. این‌گونه بناهای دست‌ساز بشر، به طبقات خاص و افراد ویژه‌ای اختصاص دارند و عموم مردم نمی‌توانند از آنها استفاده کنند؛ در حالی که خانه خدا به قوم و قبیله و نژاد خاصی اختصاص ندارد و به قول دکتر شریعتی، بیت عتیق است. عتیق از عتق، آزاد کردن بنده، عتیق: آزاد! خانه‌ای که از مالکیت شخصی، از سلطنت جباران و حکام آزاد است. کسی را بر آن دسترسی نیست؛ صاحبخانه خداست، اهل خانه، مردم (شریعتی، ۱۳۸۹، ص ۶۱)، و محل اجتماع مردم و مرکز خیر و برکت و نزول رحمت برای همگان است که از جمله مهم‌ترین خیرات و برکات آن می‌توان به مردمی بودن و برابری و یکسان بودن همگان اشاره کرد و اینکه هیچ‌گونه تبعیضی در ملیت و نژاد و زبان و رنگ انسان‌ها در آنجا راه ندارد.

اما با همه این اوصاف، این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اختلاف در اصول و فروع، از مسلمات فرق و مذاهب مختلف اسلامی است و این اختلافات ظاهری، در مناسک حج نیز وجود دارد. در میان این اختلافات در عقاید و اندیشه‌ها وقتی بحث از وحدت اسلامی پیش می‌آید، ممکن است این پرسش مطرح شود که مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا وحدت اسلامی به این معناست که گروهی از مسلمانان از اعتقادات خود در مقابل گروه دیگر کوتاه بیایند و همه یا دست کم برخی از اعتقادات گروه مقابل را بپذیرند؟ جواب این سؤال را از نوشته‌های شهید مطهری ذکر می‌کنیم.

شهید مطهری در مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی» که به قلم ایشان در یادنامه علامه امینی به چاپ رسیده، در رابطه با حقیقت وحدت بین مسلمین این گونه نوشته است:

مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را - به خصوص در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدان‌ها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و اختراع اختلافات نوین است - از ضروری‌ترین نیازهای اسلامی می‌دانند. اساساً چنان که می‌دانیم، وحدت و اخوت اسلامی، سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است. قرآن و سنت و تاریخ اسلام گواه بر این مطلب می‌باشد.

اما مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد متفرقات آنها، که نه

معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

این دانشمندان می‌گویند مسلمین مایهٔ وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین، همگی خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن، و قبله همه کعبه است. با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند، و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقهٔ تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها امت واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند؛ به خصوص اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن، برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی، آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته، استفاده نکنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند؛ همچنان که ایجاب نمی‌کند مسلمین دربارهٔ اصول و فروع اختلافی فی‌مابین، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد، متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت لاقبل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام لازم دانسته است، دربارهٔ خودشان رعایت نکنند: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... ﴿نحل: ۱۲۵﴾؛ «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.»

برای برخی این تصور پیش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند، به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی، مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون، از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است [و] آسیب دیدن یکی، عین آسیب دیدن همه است. علی‌هذا آنجا که مثلاً اصل «امامت» آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل، شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند؛ دشمن هر که باشد.

گروه اول به این گروه پاسخ می‌دهند و می‌گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ» و «مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يُتْرَكُ كُلَّهُ» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درس‌هاست. علی علیه السلام راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود، اتخاذ کرد.

او برای احقاق حق خود از هیچ کوششی خودداری نکرد؛ همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند. اما هرگز از شعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. به عکس، اصل «ما لا یدرک کله لایترک کله» را مبنای کار خویش قرار داد (مطهری، ۱۳۹۳ش، ص ۲۱۸).

بنابراین می‌شود با اندکی اغماض و ایشار طرفینی، از بسیاری موارد اختلافی چشم‌پوشی کرد و در عین حال به اصول خود نیز پایبند بود. اگرچه این کار مشکل‌به نظر می‌رسد، اما دقت و توجه به آثار زیان‌بار اختلاف و تفرقه برای جامعه اسلامی و ثمرات و نتایج وحدت و اتحاد، رسیدن به تفاهم متقابل را سهل و آسان می‌کند.

حضرت صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا...» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۹).

خداوند اجتماع عظیم شرق و غرب را در حج قرار داد تا مسلمانان با یکدیگر آشنا شوند و از آداب و اخلاق و فرهنگ‌های همدیگر آگاه گردند.

این گفت‌وگو و ارتباطات بین فرهنگ‌های مختلف در حج - که میعادگاه جهانی

برای مسلمانان است - از این جهت اهمیت دارد که:

۱. زمینه‌ای برای تعامل افکار و رسیدن به تفاهم متقابل فراهم می‌سازد؛
۲. باعث تحول در فرهنگ انسان‌ها می‌شود و فرهنگ‌های متفاوت را به هم نزدیک می‌کند؛
۳. موجب اهتمام به پدیده‌هایی چون مشارکت، اخلاق محوری، صلح، امنیت و... می‌شود؛
۴. گفت‌وگوی صحیح، چگونگی سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن را به طرفداران سایر مذاهب، می‌آموزد؛
۵. باعث برطرف شدن سوء تفاهم‌ها و در نتیجه، نزدیکی قلوب به یکدیگر می‌شود.

ملاقات حج

۱. نفی مجادله و تخاصم

توحید، عامل وحدت، و شرک عامل تفرقه و پراکندگی است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)، و شرک از آن جهت که ناشی از هواپرستی است و هواپرستی همواره تابع شهوات و غضب است و مولودی غیر از تعصب و جهل و کبر ندارد، هرگز نمی‌تواند عامل وحدت و همدلی باشد، تعداد معبودها با روش‌های متفاوت پرستش و تعصب گروه‌های مختلف نسبت به معبودها و روش‌های خود، بر عمق و گسترش اختلاف‌ها می‌افزاید و آنان را تالیه هولناک جنگ و دشمنی پیش می‌برد و آرامش و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و تلاش و خواست شیاطین انس و جن هم ایجاد هرچه بیشتر عداوت و کینه است: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾ (مائده: ۹۱)؛ «همانا شیطان می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند.»

دیپلماسی فرهنگی حج این توانایی را دارد که در ایجاد صلح و امنیت و کاهش نزاع و تفرقه مؤثر واقع شود. و چنان که در اندیشه دینی و آیات قرآن کریم آمده است: ﴿فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷)؛ «در اثنای حج همبستری و گناه و جدال روا نیست.» از این رو جدال کردن، فخرفروشی، و دشنام دادن و... برای مُحرم حرام است و کسی که مرتکب این اعمال شود، جریمه خواهد شد و باید کفاره بدهد. آشکار است که جدال کردن و فخرفروشی بر غیر که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران باشد و کارهایی نظیر دروغ و دشنام که در همه حال حرام است و در حال احرام حرمت آن شدیدتر است، همه اینها ناظر به اهمیت صلح و آرامش و دوری از نزاع و تفرقه نزد شارع مقدس است. در حقیقت خداوند عالم با تشریح این اوامر، آن هم در مناسک حج، می خواهد این مطلب را به مسلمانان برساند که هیچ یک از شما با امور اعتباری بر دیگری برتری ندارد و همه یکسان و برابر هستید، و برای انجام دادن امور عبادی و فعالیت های اجتماعی باید از امور اعتباری و موهوم نظیر افتخار به قوم و قبیله و زبان و رنگ و امثال اینها دور باشید و تنها حول محور توحید بگردید.

بنابراین با توجه به این اوامر شارع، مشخص می شود که با تقویت زمینه های فرهنگی، عواملی نظیر تعصب، جهل، تکبر و... از بین می روند. تاریخ گواه است که هرگاه زمینه های فرهنگی تقویت شده اند، زمینه های کینه و عداوت بین مردم کم، و جنگ و خونریزی متوقف شده و صلح و آرامش به وجود آمده است.

قرآن کریم به پیامدهای تفرقه و اختلاف اشاره می کند و به مسلمانان متذکر می شود که نعمت وحدت و اتحاد را به عنوان نعمتی الهی یادآوری کنند:

﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

نعمت خدای را بر خود یاد کنید، هنگامی که با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما همدلی و پیوند داد تا به نعمت وی با هم برادر گشتید، و بر لبه گودال آتش بودید، پس شما را از آن رهانید.

دیپلماسی وحدت‌بخشی که صلح و امنیت را به بار می‌آورد، همراه با عقلانیت و تعقل است؛ چنان‌که قرآن کریم در مورد برخی از مشرکین، به اختلاف و تفرقه آنان به سبب بی‌خردی و دوری از عقلانیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حشر: ۱۴)؛ «آنان را متحد می‌پنداری، ولی دل‌هاشان پراکنده است؛ چون مردمی بی‌خرد هستند.»

پس با توجه به معنای دیپلماسی، که عبارت بود از تعامل بین افراد و جوامع و فرهنگ‌های دیگر برای رسیدن به تفاهم، به این نتیجه می‌رسیم که در صورت وجود نزاع و اختلاف و تشتت درونی و امثال این موارد، تفاهم بین افراد و فرهنگ‌های گوناگون، هرگز برقرار نمی‌شود و تنها راه رسیدن به تفاهم حقیقی، اتحاد و انسجام در پناه عقلانیت است و اگر در ظاهر هم افراد مخالف یکدیگر تفاهم پیدا کنند، در منطق قرآن، آن تفاهم، واقعی و پایدار نیست و درون و دل‌های آنها متفرق است و از همدیگر دور هستند.

۲. ایجاد امت واحد اسلامی

عناصری که مفهوم امت با آن تحقق خارجی می‌یابد، اشتراک در سرزمین، قومیت، زبان، رنگ، منافع و مصالح مشترک و فکر و عقیده است که بی‌تردید همه اینها در ایجاد نوعی رابطه بین افراد و چگونگی زندگی و تربیت آنان تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا انسان از شئون مادی زندگی و خواص و آثار آن خواه ناخواه برکنار نیست. ولی برای هر کس روشن است که انسانیت انسان و کرامت وی به عقل و فکر و نظریات اوست، و آنچه بر قلب و روح او نیز حاکم است، همان فکر و ایمان اوست که از همه چیز برای وی ارزشمندتر است؛ به طوری که حاضر است در راه آن جان خود را نیز بدهد.

بنابراین آنچه موجد وحدت اساسی بین انسان‌هاست و می‌تواند وحدت واقعی آنان را تضمین کند، وحدت فکری و ایمانی آنان است؛ نه وحدت در وطن و نژاد. به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که اسلام بین مسلمانان وحدت اسلامی برقرار می‌کند

و آنان را به این عنوان که مؤمن اند، برادر یکدیگر می خواند و برای امتیازات مادی از قبیل جنسیت، زبان و رنگ در برابر ارزش های روحی و فضایل اخلاقی و ایمانی و تقوا ارزشی قائل نمی شود. لذا از نظر اسلام، همه مسلمانان یک امت هستند، پروردگارشان یکی، دینشان یکی، پیامبرشان یکی، و کتابشان یکی است و هیچ یک از آنان بر دیگران امتیازی ندارد؛ مگر به تقوا و تسلیم در برابر اوامر خداوند؛ اوامری که عمل به آنها موجب کمال و ترقی روح و کرامت و شرافت انسان می شود. پس مسلمانان بر پایه فطرت و وظیفه اسلامی خود یک امت اند؛ چون عناصر اصلی هویتی آنها یکی است. لذا واجب است تنها یک حکم و یک قانون بر همه شهرها و کشورهای آنان حکومت کند، و تنها یک سیاست آنها را اداره کند؛ چنان که در صدر اسلام این گونه بوده است (منتظری، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۲۲۵).

از طرفی خود واژه امت، هم در تحکیم وحدت تأثیر بسزایی دارد و هم تمام تفاوت ها و تمایزها و اموری مانند رنگ، نژاد، قبیله و حتی جنس در این واژه از بین می رود. از این روست که وحدت در اندیشه اسلامی نمودهایی دارد، مانند وحدت در جهان بینی، فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی، پرستش و نیایش. این واژه که بیش از پنجاه بار در قرآن کریم آمده است، از ماده «أَمَّ» و در لغت به معنای قصد است و در اصطلاح به معنای یک واحد بزرگ انسانی است که عامل پیوند آن، دین و فرهنگ مشترک است.

زمانی این واژه بر گروهی از انسان ها اطلاق می شود که هم دارای مقصد و هدفی واحد باشند (چرا که در واژه امت مفهوم حرکت به سوی یک هدف نهفته است) و هم از رهبری واحد برخوردار باشند (زیرا زمانی این حرکت به سوی هدف واحد سامان می یابد که با هدایت رهبر واحد صورت پذیرد). بنابراین منظور از امت در آیات قرآن - نظیر آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیا: ۹۲)؛ «این است شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما؛ پس مرا بپرستید» - جامعه کلان اسلامی است که از هدایت رهبری واحد برخوردار است و در حرکتی هماهنگ به سوی هدفی واحد حرکت می کند (وطن دوست، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۴).

همان طور که بیان شد، مسلمانان مشابهت‌ها و مشارکت‌های فراوانی دارند و از این رو دارای ظرفیت و توان ایجاد امت واحد و عظیم اسلامی هستند. بنابراین همه مسلمانان با داشتن عناصر ارزشی و هویتی مشترک - نظیر توحید، نبوت، قبله واحد و کتاب واحد - می‌توانند به عنوان امت واحد در کنار هم و در صف واحد قرار گیرند. از سوی دیگر، قرآن کریم از دلسوزی فراوان و حرص شدید پیامبر ﷺ بر هدایت مردم سخن گفته و فرموده است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه: ۱۲۸). همچنین در آیه‌ای دیگر، وجود مبارک پیامبر خدا ﷺ را رحمت برای عالمیان معرفی کرده و فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۱۰۷).

پیش از بعثت رسول الله ﷺ فرهنگ جاهلیت بر جامعه عربستان حاکم بود. مردم بت‌ها را عبادت می‌کردند و مردار می‌خوردند؛ مرتکب گناه کبیره می‌شدند و قطع رحم و فراموش کردن حق همسایگان عادت آنها بود و قدرتمندانشان ضعفا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. تا اینکه خداوند پیامبری را که از خود آنها بود فرستاد، آنها را به توحید دعوت کرد و از شرک بر حذر داشت و به راستگویی در سخن و امانت‌داری و صلۀ رحم و رعایت حق همسایگان و دوری از حرام و پرهیز از ریختن خون مردم امر کرد و آنها را از اعمال زشت و سخن دروغ و خوردن مال یتیم بازداشت. طولی نکشید که بر اثر برکات وجودی پیغمبر ﷺ و سجایای اخلاقی آن حضرت، جامعه جاهلی به سوی کمالات اخلاقی و کرامت انسانی کشیده شد و ارزش‌ها در میان مردم عوض شد و فرهنگ جاهلیت جای خود را به فرهنگ انسانی و اسلامی داد و اسلام بسیار سریع در سراسر خاورمیانه گسترش یافت.

شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر ﷺ به سران کشورها، مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل مختلف عرب و... نامه نوشتند و همگان را به پذیرش دین اسلام دعوت کردند و آنان را از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. این قبیل اعمال از سوی

پیامبر ﷺ بر جهانی بودن دین اسلام دلالت دارد؛ چرا که اگر دین اسلام جهانی نبود، از طرف ایشان دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت و سایر اقوام و امت‌ها هم برای عدم پذیرش، عذری داشتند. اما قرآن به صراحت اعلام کرد هر کس هر دینی غیر از اسلام اختیار کند، پذیرفته نمی‌شود و فرمود: «دین نزد خدا فقط اسلام است.» از طرف دیگر همه آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام مؤید این معناست که بی‌تردید، زمانی فرا خواهد رسید که تنها دین حاکم بر جهان، اسلام خواهد بود.

جهانی بودن اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه‌ای خاص، از ضروریات این آیین الهی است و حتی کسانی که به آن ایمان ندارند، می‌دانند که دعوت اسلام همگانی است و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است. از مجموع این مطالب می‌توان نتیجه گرفت دینی که ظرفیت جهانی شدن را دارد و زمانی فرا می‌رسد که قطعاً عالم‌گیر می‌شود، پس انتظار تشکیل امتی واحد میان پیروان این دین، یک انتظار حداقلی و ممکن است و مسلمانان که پیرو یک خدا و یک پیامبر و یک قبله و یک کتاب هستند، باید به سهولت بتوانند همگی تحت یک حکومت و پرچم زندگی کنند و جامعه واحد اسلامی تشکیل دهند. اما اینکه چرا این اتفاق نمی‌افتد، باید پاسخ آن را در نوع تعاملات و ارتباطات بین مسلمین با یکدیگر و دشمنی دشمنان این دین جست‌وجو کرد؛ و الا در مقام نظر و اعتقاد، همه مسلمانان بر این باورند که اسلام، خاتم ادیان و پیامبر اسلام ﷺ خاتم پیامبران است و اسلام از هر جهت کامل‌ترین و جامع‌ترین دین می‌باشد و تا روز قیامت نیز بشر را از هر جهت کفایت خواهد کرد و روزی فرا خواهد رسید که اسلام، تمامی آدمیان و پیروان ادیان را پیرو و مطیع خود خواهد کرد و بدین ترتیب، جهان در تسخیر آموزه‌های بلند و آسمانی اسلام در خواهد آمد.

بنابراین همه مسلمانان باید به این باور برسند که تنها راه عملی حل مشکلات درونی جوامع اسلامی بلکه مشکلات تمام بشریت و دستیابی به صلح و امنیت پایدار در سرتاسر جهان، همچنین تعالی و رشد انسانیت در این است که مرزهای ساختگی و اعتباری (ملی، نژادی، قومی و ...) از میان برداشته شوند و تشکیل امت واحد اسلامی،

بلکه حکومت واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون آسمانی اسلام در دستور کار کشورهای اسلامی قرار گیرد.

برای رسیدن به این هدف مهم، حج به عنوان یک عبادت سیاسی مهم و اثرگذار، نقشی بی‌بدیل را می‌تواند ایفا کند؛ چراکه علاوه بر امکان استفاده بهینه از اجتماع عظیم حج برای تبلیغ حقیقت اسلام و برطرف کردن مشکلات و معضلات درونی مسلمانان، خود مناسک حج نیز زمینه اتحاد و یکدلی را فراهم می‌کند و از نزاع و تفرقه و جدال برحذر می‌دارد؛ برای مثال، جدال، فخرفروشی کردن، دشنام و... برای شخص در حال احرام، حرام است و کسی که مرتکب این اعمال شود، جریمه خواهد شد و باید کفاره بدهد. این دستورها مقدمه‌ای برای ایجاد صلح و امنیت عمومی است.

بنابراین حج، عبادتی سیاسی و اجتماعی است که متضمن مجموعه‌ای از قوانین و دستورهای الهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است و مناسک گنجانده شده در این آیین الهی، آمیزه‌هایی وحدت‌بخش و صلح‌آفرین است که در صورت توجه به فلسفه حقیقی مناسک حج و اجرای درست اعمال آن، مسلمین می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند و امت واحد اسلامی، بلکه جامعه جهانی اسلامی تشکیل دهند.

۳. ارتباطات و گفت‌وگوی منطقی میان مذاهب اسلامی

انسان موجودی اجتماعی است و بدون اجتماع و به صورت انفرادی قادر به ادامه زندگی نیست؛ افزون بر اینکه استعدادهایی در انسان وجود دارد که جز در پرتو زندگی اجتماعی به ظهور و فعلیت نمی‌رسد. همین استعدادها و نیازهای فطری است که انسان را به سوی زندگی اجتماعی می‌راند و می‌خواند. همچنین زندگی روزمره انسان‌ها بر پایه ارتباطات استوار است.

ادوارد. تی‌هال، انسان‌شناس آمریکایی، جمله معروفی دارد که می‌گوید: «فرهنگ، ارتباط است و ارتباط، فرهنگ» (فیاض، ۱۳۸۹، ص ۳۶۳). فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی، نظیر رفتار، عقاید، باورها، سنت‌ها و رسوم که در داخل یک جامعه

رواج و شیوع دارند، و در تعریف ارتباط نیز این گونه گفته‌اند که ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، به این شرط که در گیرنده پیام مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (محسینان راد، ۱۳۹۱ ش، ص ۵۷).

از محتوای این دو تعریف می‌توان به این مطلب رسید که مشابهت معنای مورد نظر فرستنده، زمانی در گیرنده پیام ایجاد می‌شود که حداقل فرستنده و گیرنده پیام در یکی از موارد ذکر شده در تعریف فرهنگ - یعنی رفتار، عقاید، باورها، سنت‌ها و رسوم - اتحاد و مشابهت داشته باشند. در غیر این صورت، مشابهت معنایی بین دو نفر امکان ندارد و در نتیجه، ارتباطی بین فرستنده و گیرنده به وجود نمی‌آید و در صورت نبود ارتباط نیز تفاهم متقابل حاصل نخواهد شد.

ژان ژاک روسو درباره اتحاد می‌گوید:

چون انسان‌ها نمی‌توانند نیروهای جدیدی بیافرینند بلکه فقط می‌توانند نیروهایی را که وجود دارند متحد سازند و هدایت کنند، بنابراین راه دیگری برای بقای خود جز تشکیل مجموعه‌ای از نیروها از طریق جمع شدن به دور هم ندارند تا این مجموعه بتواند بر مقاومت موانع، چیره شود و نیروها را با انگیزه واحدی به کار اندازد و ترتیبی بدهد که متفقاً عمل کنند و این مجموعه نیروها جز از طریق اتحاد نمی‌تواند به وجود آید (روسو، ۱۳۹۲، ص ۹۸).

این عبارات به وضوح بر ضرورت وحدت و اتحاد جامعه تأکید دارد. از آنجا که همه مسلمانان دارای عناصر هویتی و فرهنگی و دینی مشترک هستند، ارتباط بین آنها باید سهل و آسان باشد.

وقتی گروه کثیری از انسان‌ها در دو اصل از اصول دین با هم مشترک بودند، یعنی همه آنها یک خدا را پرستند و به نبوت یک پیامبر معتقد باشند و همچنین کتاب آسمانی همه آنها یکی باشد و همگی به طرف یک قبله نماز اقامه کنند و... در نتیجه، سایر اختلافات در فرعیات و امور جزئی نباید آنها را از منافع زیاد یکی بودن و اتحاد محروم کند. توجه به این عناصر هویتی مشترک و آثار وحدت و اتحاد که در مناسک

حج وضع شده است، زمینه برقراری ارتباط بین حجاج مسلمان سایر کشورها را با ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت فراهم می‌کند و بر اثر ارتباط صحیح و شایسته، تقرب و نزدیکی دل‌ها حاصل می‌شود.

در مناسک حج، هر شخصی در هر مقام و مرتبه اجتماعی که دارد و دارای هر زبان و نژاد و رنگی که هست و از هر ملیت و قومیتی که آمده، فقط یک دست لباس سفید فاقد هرگونه تجملاتی به تن می‌کند و همه با هم و در کنار هم حول محور توحید و خانه خدا می‌چرخند. آنان می‌توانند همین حالت و روحیه را برای جوامع خود به ارمغان ببرند و این اعمال را در سرزمین خود نیز انجام دهند، و در جوامع خود نیز قومیت و ملیت و نژاد و رنگ و سایر عناوین اعتباری را کنار بگذارند و یکدل و متحد، کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. در این صورت است که امت واحد تشکیل می‌شود و همگی تحت لوای توحید قرار می‌گیرند.

بنابراین مناسک حج تمرینی برای برقراری ارتباط و گفت‌وگوی منطقی بین مذاهب اسلامی است و استفاده صحیح از این موقعیت عظیم اسلامی، می‌تواند باعث تقریب مذاهب اسلامی شود.

۴. تعصب‌زدایی

تعصبات بیجا از جمله موانع دیپلماسی به شمار می‌آید و مانع برقراری ارتباط و تفاهم می‌شود. از مجموعه مطالبی که تاکنون بیان شد، می‌توان دریافت که منظور شارع مقدس از تشریح حج این بوده که مسلمانان با هم متحد شوند و از سراسر عالم به سمت یک مکان بیایند و این نزدیکی فیزیکی، باعث نزدیکی روحی و فکری آنها شود و با هم پیوند اتحاد و برادری و برابری ببندند. این مطلب را می‌توانیم در برخی از روایات اسلامی مشاهده کنیم؛ از جمله:

الف) پیغمبر اکرم ﷺ درباره وحدت و برابری مسلمانان فرموده است:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

«همانا، پروردگار شما یکی است؛ پدر شما یکی است؛ همه شما فرزند آدم هستید و آدم از خاک است. گرامی ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. عرب را بر عجم فضیلت نیست مگر به وسیله تقوا.» (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

این ندای وحدت بخش و جملائی که حاکی از به هم پیوستن و یگانگی است، در مکه و منا و عرفات، در ایام حج ایراد شده است تا هرگاه مراسم و مناسک حج در این سرزمین برپا شد و مردم از سراسر جهان به این سرزمین آمدند، به یاد سخنان پیامبر ﷺ باشند و همواره وحدت و برادری خود را حفظ کنند و از تفرقه و جدایی پرهیزند. ولی اگر مسلمانان به صورت ظاهری در مکه جمع شوند و دل های آنان متفرق و از هم دور باشد، مصداق این کلام خدای متعال می شوند که می فرماید: ﴿تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾ (حشر: ۱۴)؛ «می پندارند آنها با هم هستند و حال آنکه دل هایشان پراکنده است.» یا مصداق کلام امام علی (ع) می شوند که فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ»؛ «ای مردمی که بدن هایشان در یک جا جمع شده است، اما خواسته ها و آرزوها و هدف هایشان از هم جداست.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۹).

ب) امام صادق (ع) در حدیث معروفی می فرماید: «فَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْنَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا» (حرر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۹)؛ «خداوند مقرر کرد که از شرق و غرب عالم آنجا جمع شوند برای اینکه یکدیگر را بشناسند.»

یکی از کارهای پسندیده معمول بین مردم، این است که افرادی که در یک محفل و یا کنگره برای اولین بار با هم آشنا می شوند، نام و نشانی خود را با یکدیگر مبادله می کنند و بدین وسیله با هم ارتباط برقرار می کنند و پیوندها را میان خود مستحکم می کند.

اسلام در چهارده قرن پیش، این زمینه را به وجود آورده و توصیه کرده است که از اجتماع عظیم حج باید برای این منظور استفاده شود. امام صادق (ع) فرمود: اسلام چنین اجتماعی را مقرر کرده است تا از شرق و غرب عالم جمع شوند و با یکدیگر در آنجا آشنا و دوست گردند.

ج) امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۴۴). اگر مفهوم کلام این باشد که فلسفه حج، تقویت دین است، منظور این است که با اجتماع حج، روابط مسلمانان محکم تر می شود و ایمان ایشان نیرومندتر می گردد و به این وسیله، اسلام تقویت خواهد شد.

د) علی علیه السلام همچنین می فرماید: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱). در قدیم این گونه معمول بود که گروه‌هایی که با یکدیگر به جنگ می پرداختند، هر کدام پرچم مخصوص به خود را داشته‌اند و در زیر آن گرد می آمده‌اند و پرچم، رمز بقا و استقلال و مقاومت آنها بوده و برافراشته بودن آن، دلیل حیات جمعی آنها، و افتادن و خوابیدن آن علامت شکست آنها بوده است. همواره دلاورترین افراد نامزد به دست گرفتن پرچم بوده‌اند و گردان و دلاوران دور پرچمدار را می گرفتند تا علم برافراشته بماند. به عکس، دشمن کوشش می کرد که پرچم را بخواباند. پرچم، مقدس و محترم بود.

امروز نیز پرچم رمز استقلال و وحدت و شخصیت مستقل ملت‌ها و کشورهاست. هر کشوری از خود پرچم و علامتی دارد و آن را مقدس می‌شمارد و گاه به آن سوگند می‌خورد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ «مادام که کعبه به پاست، اسلام پا برجاست.» (قمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۰)؛ یعنی تا زمانی که حج زنده و باقی است، اسلام و دین نیز زنده و باقی است. کعبه پرچم مقدس اسلام و رمز وحدت و استقلال مسلمین است.

از اینجا می‌توانیم بفهمیم که منظور اسلام این نبود که مردم ندانسته و نفهمیده به مکه بروند و فقط یک سلسله مناسک را که برای خود آنها نامعلوم است، به جا آورند. منظور اصلی این است که تحت لوای کعبه، همان خانه‌ای که اولین بار در میان بشر برای پرستش خدای یگانه بنا شد، به صورت یک قوم و امت واحد و هم‌عزم و همدل، گرد هم آیند.

شعار اصلی و اساسی اسلام، توحید است. کعبه خانه توحید است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾ (آل عمران: ۹۶)؛ «اولین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکه است» (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۵. توجه به اشتراکات بین فرهنگ‌ها

محور بحث در این مقاله، دیپلماسی فرهنگی حج است و موضوع دیپلماسی فرهنگی، تبادل ایده‌ها و اطلاعات و سایر جنبه‌های فرهنگی میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل است. اشاره شد که هدف از دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیر گذاردن بر فرهنگ مردم دیگر کشورهاست. یکی از راه‌های رسیدن به تفاهم متقابل، یافتن نقاط مشترک بین ادیان و فرهنگ‌های مختلف است. تا به اینجا مجموعه مباحثی که در باب وحدت و اتحاد مطرح شد، مربوط به وحدت بین مسلمین بود. اما جوزف نای دانشمند و پژوهشگر سیاسی اهل ایالات متحده آمریکا، مطلبی فراتر می‌گوید:

در اسلام، مسیحیت و یهودیت، پیامبر الهی ابراهیم علیه السلام مورد احترام است؛ بنابراین ایده یک‌گویی ابراهیمی میان مسلمانان، مسیحیان و یهودیان می‌تواند نمونه‌ای از راه‌های ایفای نقش بازیگران غیرحکومتی برای تمرین قدرت نرم و ساختن پل‌هایی برای تفاهم باشد (جوزف نای، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۸).

بر این اساس، نه تنها می‌شود بین مذاهب مختلف اسلامی اتحاد ایجاد کرد، بلکه حتی بین فرهنگ‌ها و ادیان نیز می‌شود اتحاد ایجاد نمود و راه آن را هم گفتیم که یافتن نقاط مشترک و مشابهت‌های موجود بین ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است که غالباً همین مشابهت‌ها به برقراری ارتباط موفق کمک می‌کنند.

ادوارد اشتایخن که از عکاسان معروف دنیاست، می‌گوید: «من معتقدم که در تمام موارد مهم، ما شبیه هم هستیم». این جمله از این نظر اهمیت دارد که کمک می‌کند زمینه‌های مشترک به عنوان راهی برای تعیین شیوه برخورد و رفتار با مردم، صرف نظر از فرهنگ آنها، پیدا شود.

این مهم است که بدانیم انسان‌ها در مجموعه‌ای از خصوصیات حساس و مهم مشترک‌اند؛ خصوصیتی که آنها را به هم مربوط می‌سازد، متحد می‌کند و آنها را به صورت جامعه‌ای واحد در می‌آورد. این مشابهت‌ها دامنه‌ای از مشهودترین تا جزئی‌ترین موارد را در بر می‌گیرد؛ مثلاً اینکه تمام انسان‌ها برای مدتی نسبتاً کوتاه در

یک سیاره زندگی می‌کنند. تمام مردم مایل اند از قید و بند خارجی آزاد باشند. همه انسان‌ها با دوران پیری و نهایتاً مرگ روبه‌رو می‌شوند. تمام افراد در تمام فرهنگ‌ها به مهربان بودن با دیگران اعتقاد دارند و در پی یافتن راه‌های شاد بودن هستند. تمام مردم از دردهای جسمانی و روانی اجتناب می‌کنند و به دنبال نوعی آرامش در زندگی هستند که اینها ربطی به دین و ماوراءالطبیعه ندارند.

افراد بشر نه تنها دارای تشابه‌هایی در احساسات و تجربیات هستند، بلکه ارزش‌هایی وجود دارد که در همه فرهنگ‌ها مشترک است. همچنین ارزش‌های فلسفی نیز انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ارزش‌های متداول یا مشترک، ارزش و شکوه روح انسان است. مسلم و قطعی بودن این ارزش نیاز به تلاش برای پذیرش قانون طلایی ارتباط بین مردم را نشان می‌دهد.

در اینجا فقط به چند مورد از ارزش‌ها و قوانین طلایی که میان همه انسان‌ها و ادیان و مذاهب مشترک است و برای همه حائز اهمیت است، اشاره می‌شود:

ارتباط‌گران اخلاقی برای افراد فرهنگ‌های دیگر همان احترامی را قائل هستند که برای خود می‌خواهند.

این قانون اخلاقی با عبارات متفاوتی در ادیان و فرهنگ‌های مختلف ذکر شده است که به آنها اشاره می‌کنیم؛ مثلاً در مسیحیت عنوان می‌شود که تمام چیزهایی را که دوست داری مردم برایت انجام دهند، تو نیز برای آنها انجام بده. آیین بودا می‌گوید: دیگران را به شیوه‌ای که برای خود دردناک می‌دانی، اذیت مکن. کنفوسیوس می‌گوید: آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند. در آیین هندو مطلب این است که آنچه را باعث ناراحتی خودت می‌شود، نسبت به دیگران انجام مده. اسلام می‌گوید: هیچ‌یک از شما معتقد نیست، مگر آنکه برای برادر خود آرزویی کند که برای خودش می‌کند. در فرهنگ چین آمده است که در شادی و ناراحتی، در لذت و غم، باید همه مخلوقات را مانند خودمان بدانیم. در تلمود یهود آمده است: آنچه را دوست ندارید، در حق دوستان خود روا ندارید، و آخر اینکه

سرخپوستان قانون بزرگ صلحشان این است که آنچه را بنای زندگی است، احترام کنید (لاری اسماور، ۱۳۷۹ش، ص ۴۳۴). این عبارات، اگر چه ظاهراً متفاوت اند، اما حکمت و معرفت اصلی آنها یک اصل کلی و مشترک، یعنی احترام به انسانیت است. یکی دیگر از موارد مشترک بین ادیان ابراهیمی، مسئله موعود ادیان و انتظار فرج منجی است. موعود در همه ادیان با نام‌ها و ویژگی‌های خاص خود وجود دارد؛ مثلاً یهودیان منتظر موعودی از خاندان حضرت داوود علیه السلام هستند که به دنیا خواهد آمد، یا مسیحیان منتظرند که حضرت مسیح علیه السلام دوباره بیاید. ظهور برخی خدایان به صورت انسان در آیین هندو مطرح است و آن صورت را اوتار می‌گویند. هندوان منتظر کلکی (kalki) دهمین جلوه ویشنو هستند که شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید خواهد آمد. بوداییان نیز منتظر ظهور بودا به صورت میتریا هستند (توفیقی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۶۶).

انسانیت، اصلی مشترک میان همه بشریت است؛ به این معنا که همه انسان‌ها در هر دین و مذهب و فرهنگی، به قوانین انسانی و اخلاقی احترام می‌گذارند؛ زیرا سرچشمه همه دستورها و قوانین اخلاقی و انسانی، عقل است. لذا عقل نزد همه انسان‌ها به عنوان یکی از عوامل فوق‌العاده مهم برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی شناخته می‌شود و به همین دلیل هم تمام کتاب‌های آسمانی و فرستادگان خداوند همواره مردم را به تعقل دعوت، و با جهل مبارزه کرده و مردم را از کنار گذاشتن قوای عقلانی بر حذر داشته‌اند.

گفتنی است دسته‌ای از روایات شیعه اشاره دارند که در حکومت جهانی حضرت بقیه الله علیه السلام تکامل عقلی بالاترین سرمایه دولت آن حضرت به شمار می‌رود و در روایات معتبر آمده است: «وَصَّحَّ يَدُهُ عَلَى رُؤُسِ النَّاسِ فَكَمُلَ بِهِ عَقْلُهُمْ»؛ «دست ولایت روی سر مردم قرار می‌دهد، پس عقل‌های آنان کامل می‌گردد» (کلینی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۶۸).

مطابق روایات فراوانی، آغاز حرکت و قیام منجی آخرالزمان برای تشکیل حکومت واحد جهانی، شهر مکه است و آن حضرت، حرکت خود را از کنار خانه خدا شروع می‌کنند. از خصوصیات زمانه حضرت مهدی علیه السلام این است که رشد فکری

مردم افزایش می‌یابد و کینه‌ها از قلوب خارج می‌شود و اخلاق و انسانیت گسترش می‌یابد و به فرموده امام علی علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ» (مجلسی، ۱۴۵۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۱).

همه این موارد نشان دهنده عظمت حج و خانه خداست؛ زیرا روزگاری که مردم در فقر فرهنگی می‌زیستند و دختران را زنده به گور می‌کردند و خونریزی و جنگ و منازعات قبیله‌ای عادت مردمان آن زمان بود، اسلام با مجموعه‌ای از قوانین و دستورهای انسانی و اخلاقی، صلح و امنیت را از سرچشمه وحی برای بشریت به ارمغان آورد و از همین خانه کعبه به سراسر دنیا گسترش داد. در آخرالزمان نیز قوانین الهی و دستورهای اخلاقی و انسانی اسلام که در گذر زمان به فراموشی سپرده شدند، از همین خانه به سراسر دنیا ارسال می‌شود و دنیا پر از عدل و داد می‌شود و مردم سراسر دنیا طعم واقعی صلح و امنیت و آرامش در زندگی را در پناه انسانیت و عقلانیت اسلامی می‌چشند.

نتیجه‌گیری

براساس آیات قرآنی و متون روایی و کلمات اهل بیت علیهم السلام، مهم‌ترین و بااهمیت‌ترین کارکرد دیپلماسی فرهنگی حج، تقویت وحدت مسلمانان است که ثمره آن، رسیدن به صلح و امنیت و آرامش می‌باشد. مناسک حج در برگیرنده عناصر هویتی مشترک مسلمانان است که بر اساس آنها اختلافات فرهنگی، مرزهای اعتباری جغرافیایی، تفاوت‌های قومی و نژادی، و... از بین می‌رود و با تمسک به این عناصر مسلمانان سراسر جهان می‌توانند در صف واحد قرار گیرند و امت واحد اسلامی تشکیل دهند و برای زندگی جمعی خود و توسعه و پیشرفت ممالک خود، اقدامات هماهنگ انجام دهند. رسیدن به اتحاد و انسجام، تنها در پناه تأکید بر نقاط مشترک بین فرهنگ‌ها و اجتناب از اختلافات سلیقه‌ای و ظاهری ممکن است. لذا دیپلماسی فرهنگی حج و آموزه‌های وحدت‌بخشی که در مناسک حج نهفته است، این قدرت و ظرفیت را دارد که مسلمانان را حول یک محور جمع کند و تفرقه و اختلاف و تشتت را از میان

بردارد و آنها را متوجه فرهنگ غنی اسلامی کند که در نتیجه آن به تفاهم متقابل دست یابند و زمینه تشکیل امت واحد اسلامی به وجود آید.

منابع

- *. قرآن کریم
- *. نهج البلاغه
- ۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۸ش)، *علل الشرايع*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین، چاپ دهم.
- ۲. توفیقی، حسین (۱۳۸۷ش)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، قم، نشر سمت، چاپ یازدهم.
- ۳. جوزف نای (۱۳۸۹ش)، *قدرت نرم*، ترجمه محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم.
- ۴. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی، بیروت، احیا التراث العربی.
- ۵. حرانی، ابومحمد حسن (۱۳۸۲ش)، *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی، چاپ اول.
- ۶. ژان ژاک روسو (۱۳۷۹ش)، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
- ۷. ژان میلسن و همکاران (۱۳۸۹ش)، *دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل*، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ۸. شریعتی، علی (۱۳۸۹ش)، *تحلیلی از مناسک حج*، تهران، الهام.
- ۹. صالحی امیری، رضا و سعید محمدی (۱۳۸۹ش)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران، نشر ققنوس.
- ۱۰. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹ش)، *تعامل دین؛ فرهنگ و ارتباطات*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
- ۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۳ش)، *الاصول من الکافی*، تهران، دارالتقلین.

۱۲. لاری، سماور ریچارد ای پورتر، لیزا استفانی (۱۳۷۹ش)، ارتباط بین فرهنگ‌ها، ترجمه غلامرضا کیانی، اکبر میرحسینی، تهران، نشر باز.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۵۷ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه وفا، چاپ دوم.
۱۴. محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۱ش)، ارتباط‌شناسی، تهران، سروش، چاپ دوازدهم.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، حج، قم، نشر صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳ش)، امامت و رهبری، قم، نشر صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳ش)، شش مقاله، قم، صدرا.
۱۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴ش)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران، نشر تفکر.
۱۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسایل، بیروت، نشر آل‌البیت، چاپ اول.
۲۰. وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۸ش)، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.